

کشف و شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری: یک مطالعه داده‌بنیاد

تاریخ دریافت مقاله: 1403/4/30 تاریخ پذیرش نهایی: 1403/9/25

سمانه رضایی¹، روشنک خدابخش پیرکلانی²، زهره خسروی³

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: شیوع روز افزون طلاق خاکستری در جامعه و پیامدهای این نوع طلاق ضرورت شناسایی عوامل مؤثر بر این پدیده را دوچندان کرده است، از این رو پژوهش حاضر در قالب یک مطالعه کیفی به شناسایی عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری پرداخته است.

روش: روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع طرح‌های داده بنیاد بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی زنان و مردان بالای 50 سال و روان‌شناسان و مشاوران و جامعه شناسان شهر تهران در سال 1402 تشکیل می‌دادند. در این مطالعه حجم نمونه پس از رسیدن به اشباع نظری برابر با 21 نفر تعیین شد که شامل 8 نفر روان‌شناس، 4 نفر جامعه شناس و 9 نفر زن و مرد بالای 50 سال بود که این افراد با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند. در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته برای گردآوری اطلاعات استفاده شد، همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از استراتژی اشتراوس و کوربین و نرم افزار MAXQDA-2020 استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که پس از کدگذاری 38 مقوله استخراج شد و این مقولات 15 کد محوری را تشکیل می‌دادند که در قالب کد انتخابی عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش به نظر می‌رسد که شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری می‌تواند باعث افزایش آگاهی زوجین، متخصصان و مداخله‌گران حوزه طلاق خاکستری شود و بستر لازم را برای انجام اقدامات و مداخلات مؤثر و کارآمد در زمینه طلاق خاکستری ارتقا دهد.

کلمات کلیدی: طلاق خاکستری، عوامل علی، داده بنیاد، کیفی.

1 دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

2 استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

*نویسنده مسئول: rkhodabakhsh@alzahra.ac.ir

3 استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران



Understanding the Causes of Gray Divorce: A Grounded Theory Study

Received: 2024/07/20

Accepted: 2024/12/15

Samane Rezaei¹, Roshank Khodabakhsh Pirkalani^{2*}, Zohra Khosravi³

Original Article

Abstract

Introduction: The rising rate of gray divorce and its far-reaching consequences necessitate a deeper understanding of its underlying causes. This research employs a qualitative approach to identify the factors contributing to marital dissolution in later life.

Method: This study utilized a grounded theory approach. Participants included 9 individuals over 50 experiencing or having experienced divorce (4 men and 5 women) and 12 professionals (8 psychologists and 4 sociologists) in Tehran, Iran, during the year 1402 (Persian calendar). Participants were selected through purposive sampling. Data collection involved semi-structured interviews, and data analysis was conducted using the Strauss and Corbin methodology and MAXQDA 2020 software. Theoretical saturation was reached with a sample size of 21.

Results: Analysis of the interview data yielded 38 categories, which were then synthesized into 15 core codes representing the causal factors influencing gray divorce. [It would be beneficial to briefly list or categorize some of these core codes here for greater impact. For example: "These core codes spanned themes such as: changing expectations in later life, accumulated unresolved conflict, shifts in individual identity, and the impact of adult children."]

Conclusion: The identified causal factors provide valuable information for couples, specialists, and interventionists working in the field of gray divorce. These insights can enhance awareness, inform preventative measures, and improve the effectiveness of interventions designed to support couples facing the challenges of long-term relationships and potentially reduce the negative impact of gray divorce.

Keywords: Gray Divorce, Causal Factors, Grounded Theory, Qualitative Research.

1 PhD student in psychology, faculty of educational sciences and psychology, al-Zahra University, Tehran, Iran.

2 Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

*corresponding author :rkhodabakhsh@alzahra.ac.ir

3 Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

مقدمه

افزایش تعداد افراد میانسال و سالمند در سراسر جهان با رشد روزافزونی همراه است، به گونه‌ای که بین سال‌های 2015 تا 2050 نسبت جمعیتی این افراد از 12 به 22 درصد افزایش خواهد یافت و به بیش از 2 میلیارد نفر خواهد رسید (پتروا و کاویستاکوا¹، 2021). افراد میانسال و مسن در این دوره سنی رویدادها و اتفاقات غم‌انگیز مختلفی مانند سوگ، بازنشستگی و گسست یا جدایی را تجربه کنند، ممکن است که باعث واکنش‌های هیجانی شدید و بروز مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی، تحریک پذیری و درماندگی شود (هانگ، هان، وان، تان²، 2020). مشکلات در دوره سنین میانسالی و بالاتر عمدتاً در بعد اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی، خانوادگی، زناشویی و فرهنگی رخ می‌دهد (براون و رایت³، 2016). یکی از دشوارترین و چالش‌برانگیزترین مشکلات زندگی انسان در هر دوره سنی به ویژه در دوره میانسالی و سالمندی پدیده طلاق است (براون و لین⁴، 2022). پدیده طلاق در میانسالان و سالمندان در مجامع علمی و بالینی به عنوان طلاق خاکستری⁵ مشخص شده است، طلاق خاکستری مفهومی است که توسط براون و لین برای توصیف طلاق‌هایی که در بین زوجین بزرگسالی که سن آنها 50 سال یا بالاتر است به کار برده شده است (براون و همکاران، 2019). پژوهش‌های همه‌گیری‌شناسی در خصوص این پدیده حکایت از افزایش رو به رشد پدیده طلاق خاکستری در جوامع مختلف داشته است (ساواچنکا، سوچینکوا، گوتفرد⁶، 2023). به گونه‌ای که در سال‌های پس از 1990 میزان طلاق در بزرگسالان 50 ساله و بالاتر دو برابر شد، به نحوی که 36 درصد از طلاق‌ها در بین افراد 50 ساله و بالاتر وجود داشته است (براون و لین، 2022، کندی و راگلز⁷، 2014). در داخل کشور مطالعاتی در خصوص طلاق خاکستری به شکل پراکنده و غیرمتمرکز انجام شده است، در این خصوص ملتفت، شهری، محبی، هاشمی (1399) به بررسی پویایی طلاق در سالهای 1383 تا 1393 پرداختند، در این مطالعه نشان داده شد که میزان طلاق در افراد بالای 50 سال در سال 1383 برابر با 2976 طلاق بوده است که میزان در سال 1393 به تعداد 7447 طلاق افزایش یافته است.

در کنار شیوع بالای طلاق در افراد میانسال و سالمند، وجود پیامدهای منفی متعدد در ابعاد مختلف زندگی جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی در این افراد قابل مشاهده است (زاراس، راتیگلو و تریاس⁸، 2020). انسان از سن 50 سالگی به بعد به تدریج شروع به بازنشسته شدن می‌کنند و توانایی آنها در کسب درآمد از شیوه‌های دیگر کاهش می‌یابد، از این رو طلاق در این سن می‌تواند بار مسئولیت را بر فرد افزایش دهد، همچنین هزینه‌های ایجاد یک زندگی جدید و در دسترس نبودن منابع مالی همسر سابق می‌تواند زمینه ساز مشکلات روان‌شناختی و اقتصادی شود (برکوویچ⁹، 2020). از طرفی دیگر افراد بالای 50 سال پس از طلاق و جدایی از افسردگی و مشکلات روان‌شناختی بیشتری رنج می‌برند، رضایت از زندگی و کیفیت زندگی پایین تری دارند، منابع حمایتی خود را از دست می‌دهند، بیماری و مشکلات جسمانی بیشتری را تجربه می‌کنند (ساواچنکا و همکاران، 2023، کیم¹⁰، 2021). هوگناس و همکاران (2020) در پژوهش خود بیان کردند که تنهایی عاطفی در افراد با تجربه طلاق خاکستری نسبت به هم‌تایان خود بیشتر است و از سویی دیگران مردان مطلقه بالای 50 نیز در مقایسه با افراد متأهل بالای 50 سال تنهایی عاطفی بیشتری را تجربه می‌کنند. علیرغم افزایش سریع پدیده طلاق خاکستری در دهه‌های اخیر و نیز پیامدهای منفی این پدیده بر روی زوجین، شناسایی عوامل مؤثر و علت‌های این پدیده بسیار حیاتی به نظر می‌رسد، زیرا مطالعات در

1. Petrova, Khvostikova

2. Huang, Han, Wan, Tan

3. Brown & Wright

4. Brown, & Lin

5. gray divorce

6. Svačina, Ševčíková. Gottfried

7. Kennedy, & Ruggles

8. Zueras, Rutigliano, Trias

9. Berkowicz

10. Kim

خصوص عوامل مؤثر نشان می‌دهد که اطلاعات کمی در مورد عوامل مؤثر و مرتبط با خطر طلاق زوجین در دوران میانسالی و سالمندی زندگی وجود دارد.

کراولی¹ (2019) تشریح می‌کند که تغییرات متفاوت در سبک‌های ازدواج در قرن گذشته ممکن است باعث افزایش طلاق خاکستری شود، او اظهار داشت که زوجها ممکن است تمایل به سبک‌های متفاوت ازدواج داشته باشند یا ممکن است در مورد نقش‌ها یا تناقضات و تعارضات زندگی اختلاف نظر داشته باشند، این باور متفاوت در نظام ازدواج ممکن است منجر به طلاق شود زیرا طلاق به یک گزینه قابل قبول از لحاظ زندگی اجتماعی تبدیل شده است. طلاق خاکستری اغلب با به واسطه دوسوگرایی، عدم اطمینان و تغییر احساسات نسبت به شریک زندگی، تحت تأثیر عواملی مانند سلامت جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (بنسن و همکاران، 2022). لین و همکاران (2018) در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که عوامل اجتماعی اقتصادی نقش بسیار پررنگی در افزایش خطر طلاق خاکستری دارند. در این خصوص براون و رایت² (2019) در پژوهشی به بررسی تغییر نگرش افراد مسن نسبت به طلاق پرداختند، آنها بیان کردند که افراد مسن طلاق را به عنوان یک راه حل کارآمد برای زوجینی که قادر به حل مشکلات خود نیستند باور دارند، همچنین افراد مسن نسبت به گذشته پدیده طلاق را پذیرفتنی در نظر گرفته‌اند و کمتر آن را عملی ناهنجار تلقی می‌کنند. از سویی دیگر لین و براون (2017) در مطالعه خود بیان کردند که پدیده طلاق خاکستری در زوجین مسن که دوباره ازدواج کرده‌اند بیشتر است، همچنین افرادی که سطح تحصیلات و سواد کمتری دارند و منابع اقتصادی و مالی کمتری در اختیار دارند بیشتر احتمال دارد که درگیر طلاق خاکستری شود. در همین راستا کنهام، محمود، استات و سیکسامیت³ (2014) نشان داد که تغییر نسل در ساختار خانواده، جنسیت، نقش‌ها و انتظارات، و هنجارهای اجتماعی، ارتباط سطحی، غیرعاطفی و انفجاری، ناهماهنگی مسئولیت‌ها یا عدم تعادل در انجام نقش‌های زناشویی و تغییر علایق زوجین باعث افزایش تعداد طلاق‌های در افراد مسن شده است. در مطالعه‌ای دیگر عوامل مختلفی از جمله نگرش مثبت سالمندان به پدیده طلاق، ورود نسل بومرها یا نسل خانواده‌های با فرزند فراوان به دوره سالمندی، افزایش طول عمر و پیری و فرصت باقی مانده برای شکل‌گیری زندگی جدید به عنوان دلایل افزایش طلاق در افراد مسن مطرح شده‌اند (کیم⁴، 2021). در پژوهش ملتفت و همکاران (1402) فرایند افزایش ناپایداری‌ها و طلاق در خانواده‌ها مورد بررسی قرار گرفت، در این مطالعه کیفی تعداد 20 نفر به عنوان نمونه پژوهش حضور داشتند که از بین آنها تعداد 11 نفر بالای 45 سال سن داشتند، ضعف مهارت‌های ارتباطی بین زوجین، مشکلات اقتصادی، فضای مجازی، بالارفتن توقعات و کاهش آستانه تحمل به عنوان عوامل تأثیرگذار بر طلاق استخراج شده بود، شیوع پدیده طلاق خاکستری در جامعه با شدت روزافزونی در حال گسترش است، با توجه به تحولات اجتماعی و فرهنگی در جامعه و شیوه بالای طلاق خاکستری انجام مطالعه‌ای در خصوص طلاق خاکستری به شدت احساس می‌شود، از طرفی دیگر طلاق خاکستری با مشکلات و پیامدهای متعددی در افراد مسن همراه است که همین امر اهمیت مطالعه این پدیده را دوچندان کرده است. به طور کلی به منظور انجام اقدامات مؤثر و پیشگیرانه خط مقدم مطالعه پدیده طلاق خاکستری باید به شناسایی عوامل مؤثر و مرتبط با این پدیده اختصاص پیدا کند. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته مطالعات بسیار اندکی به شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری در خارج و داخل کشور صورت گرفته است و اگر مطالعه‌ای نیز در ارتباط با پدیده طلاق در افراد مسن صورت گرفته باشد به صورت ویژه و اختصاصی و صرفاً به این دوره سنی تعلق نداشته است بلکه در کنار سایر زنان و مردان با دوره سنی مختلف پدیده طلاق در افراد مسن نیز بررسی شده بود، بر این اساس چنین مطالعاتی را نمی‌توان در راستای شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری دانست و همچنین تاکنون پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری در داخل کشور نپرداخته است.

1. Crowley
2. Brown, Wright
3. Canham, Mahmood, Stott, Sixsmith
4. Kim

از این رو می‌توان گفت انجام پژوهش حاضر دارای نوآوری است و می‌تواند خلاء پژوهشی در این زمینه را در داخل کشور پوشش دهد، به طور کلی می‌توان گفت که هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری زوجین بالای 50 سال بود.

روش

روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع طرح‌های داده بنیاد بود. جامعه آماری پژوهش حاضر از دو بخش تشکیل می‌شد که بخش اول شامل تمامی زنان و مردان بالای 50 سال و بخش دوم جامعه آماری را روان‌شناسان و مشاوران و جامعه‌شناسان شهر تهران در سال 1402 تشکیل می‌دادند. حجم نمونه در مطالعات کیفی از انعطاف پذیری برخوردار است و برخلاف مطالعات کمی از پیش تعیین شده نیست و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه خواهد یافت (اسماعیلی و همکاران، 1398). در این مطالعه حجم نمونه پس از رسیدن به اشباع نظری برابر با 21 نفر تعیین شد که شامل 8 نفر روان‌شناس، 4 نفر جامعه‌شناس و 9 نفر زن و مرد بالای 50 سال بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بود. زنان و مردان بالای 50 سال از طریق مراجعه به مراکز مشاوره که در زمینه طلاق فعالیت می‌کنند، شناسایی شدند و متخصصان روان‌شناسی و مشاوره و همچنین جامعه‌شناسان نیز از طریق مراجعه به گروه‌های روان‌شناسی و مشاوره و جامعه‌شناسی دانشگاه‌ها و متخصصانی که در مراکز مشاوره طلاق فعالیت می‌کنند انتخاب گردیدند. ملاک ورود به پژوهش برای بخش خبرگان روان‌شناسان، مشاوران و جامعه‌شناسانی بودند که دارای مدرک دکتری تخصصی بودند و دارای حداقل 5 سال سابقه فعالیت در حوزه طلاق به خصوص طلاق در سنین بالای 50 سال بودن و ملاک ورود به پژوهش در بخش دوم پژوهش نیز علاوه بر رضایت آگاهانه زنان و مردانی بالای 50 سال را شامل می‌شد که حداقل 2 سال از طلاق آنها گذشته باشد.

روش گردآوری اطلاعات به شکل میدانی بود و از طریق ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته اطلاعات جمع‌آوری شدند. ابتدا با استفاده از تجربه شخصی خبرگان و اساتید و ادبیات تخصصی و پژوهشی در این زمینه تعدادی سوال استخراج شد و در ادامه با توجه به نظر اساتید و خبرگان تعدادی سوال برای انجام مصاحبه با خبرگان که شامل روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و همچنین تعدادی سوال از زنان و مردان بالای 50 سال پرسیده شد. در این مطالعات برای افزایش پایایی و روایی از شیوه سه سو سازی یا مثلث سازی استفاده شده است و به این معنی که از روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها و گروه‌های خبرگان شامل روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و گروه زوجین دارای تجربه طلاق خاکستری برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد، مصاحبه‌های انجام شده عمدتاً بین 45 تا 60 دقیقه به طول انجامید و پس از ضبط مصاحبه‌های انجام شده محتوای مصاحبه به متن تبدیل شد و برای تحلیل آماده گردیدند. ابتدا رضایت نامه از افراد شرکت کننده در پژوهش اخذ شد، سپس برای ضبط مصاحبه‌ها از افراد نمونه رضایت گرفته شد، به آنها اطمینان داده شد اطلاعات و مشخصات آنها محرمانه خواهد ماند و از اسامی مستعار در طول پژوهش استفاده می‌گردد.

در بخش کیفی پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از استراتژی نظام مند اشتراوس و کوربین استفاده گردید، که برای کدگذاری اطلاعات از کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری گزینشی استفاده شد و فرایند کدگذاری با نرم افزار MAXQDA انجام گرفت.

یافته‌ها

در این مطالعه تعداد 9 زن و مرد بین 50 تا 60 سال حضور داشتند که سطح تحصیلات این افراد کمتر از دیپلم، دیپلم و لیسانس را تشکیل می‌دادند، که از این بین 5 نفر شاغل و 4 نفر بدون شغل بودند، همه این افراد صاحب فرزند بودند و حداقل 2 سال از طلاق آنها گذشته بود، در بخش خبرگان تعداد 12 نفر حضور داشتند که همگی دارای مدرک دکتری بودند، 8 نفر از این افراد را روان‌شناس و 4 نفر را جامعه‌شناس تشکیل می‌دادند، دامنه سنی این افراد بین 38 تا 60 سال بود، و حداقل 5 سال سابقه فعالیت در حوزه طلاق به خصوص زوجین بالای 50 سال را داشتند. در ادامه کدهای باز و مقوله بندی در جدول شماره 1 ارایه شده است.

جدول 1. کدگذاری باز و مقوله بندی داده ها

مقوله بندی	کدگذاری باز
خشونت جسمانی	کتک زدن همسر، کتک زدن فرزندان، تداوم کتک کاری از سوی همسر، وجود رفتارهای خشونت آمیز در خانه
خشونت کلامی	فحش و ناسزا گرفتن، تهمت ناورا به همسر، تحقیر و توهین شدید از سوی همسر
رفتارهای تخریب‌گر رابطه زناشویی	شک و تردید به وفاداری همسر، توجه افراطی به مشکلات زناشویی، مرور زیاد مشکلات گذشته، غر زدن بیش از حد، بی ارزش کردن
اعتیاد همسر و فرزندان	اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی، اعتیاد به مواد مخدر همسر، اعتیاد شدید فرزندان
شدت و گرایش مواد مخدر	تغییر گرایش به مواد مخدر صنعتی، تشدید مصرف مواد مخدر
وجود روابط زوجی ناسالم	دوبارگی در خانواده، وجود درگیری و تنش شدید، روابط زناشویی متزلزل، روابط زوجی ناکارآمد
فقدان روابط زوجی سالم	کاهش روابط محبت آمیز، عدم تجربه روابط همدلانه، فقدان وجود رابطه معناداری زناشویی، فقدان ارتباط مناسب بین زوجین
فقدان سرمایه گذاری برای همسر	عدم سرمایه گذاری روی زندگی زناشویی، نادیده گرفتن خواسته‌ها و نیازهای همسر، نادیده گرفته شدن از سوی همسر، رفتار نکردن بر اساس زبان عشق همسر، بی توجهی به مناسبت‌های همسر
فقدان سرمایه گذاری برای فرزندان	عدم تامین نیازهای فرزندان، بی توجهی به فرزندان، عدم تخصیص زمان برای فرزندان
فقدان مهارت تصمیم‌گیری	نداشتن اختیار در تصمیم‌گیری و انتخاب، ناتوانی در تصمیم‌گیری برای رفع نیازهای زندگی
فقدان مهارت حل مسئله	عدم به کارگیری مهارت حل تعارض، ناتوانی در ارائه پیشنهاد برای حل مشکلات، ارائه راهکارهای نامناسب
فقدان مدیریت هیجان	زودعصبی شدن، گریه‌های بیش از حد، قهر کردن‌های بیش از حد، عدم ابزار احساسات مثبت
فقدان سواد رابطه زناشویی	عدم آگاهی از اهمیت بیان خواسته‌ها و نیازهای در زندگی زناشویی، عدم آگاهی و شناخت احساسات خود در ارتباط با همسر، عدم آگاهی و شناختی زبان عشق همسر
فاصله عاطفی بین زوجین	احساس تنفر نسبت به همسر، احساس سرد شدن در روابط، کم رنگ شدن هدف کنار هم بودن زوجین، وجود سردی عاطفی در روابط
جدایی و طلاق عاطفی	طلاق عاطفی زوجین، احساس بریدگی از زندگی زناشویی، احساس خلا عاطفی در زندگی
تغییرات ساختاری زندگی	تجربه فرهنگ جدید، تجربه مکان جدید، تجربه اجتماعی جدید
تغییر سبک زندگی	تجربه برقراری روابط جدید، تجربه افراد جدید، تجربه چالش‌های جدید، تجربه پوشش و تغذیه مطابق میل خود
آزادی و استقلال روان‌شناختی	میل شدید به آزادی و رهایی، افزایش حق آزادی و انتخاب، مستقل شدن زنان
استقلال مالی	بهبود شرایط اقتصادی، دستیابی به استقلال مالی، جمع‌آوری اندوخته مالی
استقلال شغلی	دستیابی به شغل، رهایی از شغل‌های تحمیلی
تجمع تعارضات ناسالم	تلنبار شدن مشکلات زوجین، فراوانی اختلافات زناشویی در همه حوزه‌های زندگی، وجود اختلافات مزمن زناشویی، وجود تعارضات سرکوب شده و حل نشده
تجمع تعاملات ناسالم	تلنبار شدن زخم‌های زوجین، تلنبار شدن دلخوری زوجین، تلنبار شدن رنج‌های زوجین، عدم شکل‌گیری گفت و گوی مناسب بین زوجین، عدم تمایل به صحبت کردن با یکدیگر، تعاملات ناکارآمد زوجین با یکدیگر
خیانت زناشویی	تمایل به برقراری ارتباط با جنس مخالف، گیر افتادن در رابطه‌های فرازناشویی غلط، تسهیل فرایند خیانت کردن، خیانت زناشویی، وجود فردی غیر از همسر در زندگی
پذیرش شخصی طلاق	شکسته شد تابوی طلاق از سوی زوجین، قبح و ننگین ندانستن طلاق از سوی زوجین، پذیرش طلاق از سوی زوجین، برخورد آسان زوجین با طلاق
پذیرش اجتماعی طلاق	عدم قضاوت و فشار از سوی جامعه به خاطر طلاق، پذیرش طلاق از سوی جامعه، قبح و ننگین ندانستن طلاق از سوی جامعه
پذیرش خانوادگی طلاق	عدم قضاوت و فشار از سوی خانواده به خاطر طلاق، پذیرش طلاق از سوی خانواده
تغییرات جنسی مرتبط با سن	کاهش یا عدم برانگیختگی جنسی در زوجین، مشکل انزال زودرس، مشکلات نعوظ، عدم دستیابی و حفظ نعوظ کامل در طول رابطه جنسی، یائسگی زنان

احساس ناخوشایندی در طول رابطه جنسی، احساس خشم در طول رابطه جنسی، احساس نفرت در طول رابطه جنسی، سردی	احساس منفی در طول رابطه جنسی
مختل شدن رابطه جنسی، تنوع طلبی جنسی، نبود رابطه جنسی، کم شدن دفعات رابطه جنسی	نارضایتی از کمیت
کیفیت پایین رابطه جنسی، عدم جذابیت پوزیشن‌های جنسی، یکنواخت بودن رابطه جنسی، منفعل بودن در رابطه جنسی،	نارضایتی از کیفیت رابطه جنسی
نارضایتی از رابطه جنسی	
مشکلات اقتصادی جامعه مشکلات مالی و گرانی فشارهای مالی خانواده ناکامی‌های اقتصادی	مشکلات اقتصادی
بهبود وضعیت استقلال خانم‌ها، بهبود استقلال مالی	بهبود وضعیت اقتصادی
دخالت خانوادگی، دخالت اطرافیان در زندگی زوجین، دخالت اطرافیان در تربیت فرزندان	دخالت خانوادگی
نداشتن حریم مناسب و مرز در زندگی، عدم مرز بندی در ارتباط و تعامل، نبود فضای زوجی، رفیق بازی بیش از حد همسر،	نادیده گرفتن مرزهای زندگی
بازگو کردن مشکلات خانوادگی برای دوستان، عدم رعایت حریم خانوادگی از سوی دوستان	زناشویی
تغییر ارزش‌های زندگی زناشویی، تنزل ارزش‌های زندگی زناشویی، تضعیف سنت‌های زناشویی، تغییر ارزش وفاداری و پابندی	تغییر ارزش‌های زندگی زناشویی
به همسر، تغییر ارزش‌های دینی فرد، تغییر ارزش‌های تقدس گرایی به ازدواج، تغییر ارزش‌های شخصی	
باور به تنوع گرایی و تکثر گرایی، تغییر نگرش نسبت به طلاق، باور به ناپسند ندانستن طلاق، تغییر نگرش به حق تنوع در	تغییر باورهای زندگی زناشویی
زندگی، نگرش درباره تغییر سبک زندگی، از بین رفتن معنای ازدواج و همسر داری	
عدم اهمیت به کانون خانواده به عنوان یک جمع، پیگیری شدید علایق شخصی، تشدید خودخواهی زوجین، توجه صرف به	
خودمداری، تاکید زیاد بر خودسالاری، تاکید زیاد بر تفریحات و علایق مختص به من، دستیابی به آزادی‌های فردی، اهمیت زیاد	حرکت به سمت فردگرایی
به نیازهای فردی، خودشیفتگی همسر	
وجود و تهیه گوشی‌های هوشمند، استفاده از اینترنت، استفاده از ماهواره، تغییر سبک زندگی به واسطه تکنولوژی، وجود فضای	وجود فضای مجازی و رسانه‌های
مجازی، تغییرات تکنولوژی فرهنگی	جمعی
وقت گذاری بیش از حد در فضای مجازی، دسترسی پذیری راحت به فضای مجازی، برقراری ارتباط صمیمانه در فضای	استفاده نامناسب از فضای مجازی
مجازی، رفع نیازها در فضای مجازی، پر کردن خلاها در فضای مجازی	
الگوی گیری از رسانه و فضای مجازی، تشدید مقایسه گرایی به واسطه فضای مجازی، بالا رفتن توقع زوجین به واسطه فضای	تاثیرپذیری ناسازگار از فضای
مجازی، تشدید تنوع طلبی به واسطه فضای مجازی، تغییر نگرش و سبک زندگی به واسطه فضای مجازی	مجازی

جدول 2. کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی

مقوله بندی	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی
خشونت جسمانی	خشونت جسمانی و کلامی در خانواده	
خشونت کلامی		
اعتیاد همسر و فرزندان	اعتیاد و تغییر گرایش به مواد در همسر و فرزندان	
تشدید و تغییر گرایش به مواد مخدر		
وجود روابط زوجی ناسالم		
فقدان روابط زوجی سالم		
فقدان سرمایه گذاری برای همسر و فرزندان		
فقدان مهارت تصمیم گیری	ناکارآمدی و فقدان مهارت زناشویی	
فقدان مهارت حل مسئله		
فقدان مهارت مدیریت هیجان		
فقدان سواد رابطه زناشویی		
فاصله عاطفی بین زوجین	تشدید فاصله عاطفی و طلاق عاطفی بین زوجین	
جدایی و طلاق عاطفی		
تغییرات ساختاری زندگی		
تغییر سبک زندگی	بازسازی زندگی جدید	
آزادی و استقلال روان‌شناختی		عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری

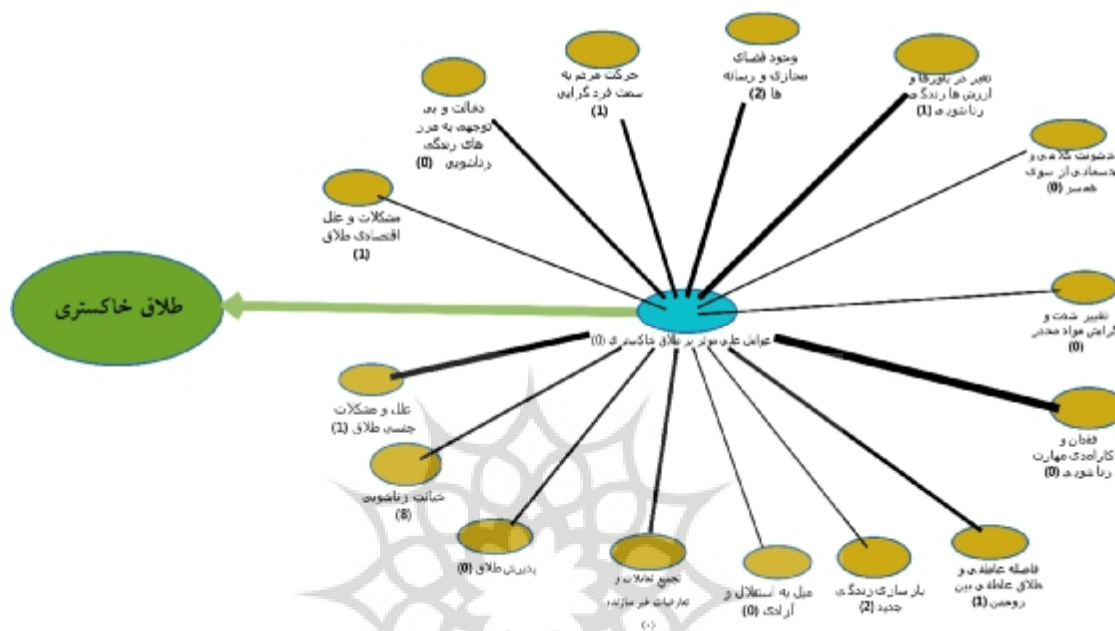
میل به آزادی و استقلال	استقلال مالی
تجمع تعارضات و تعاملات غیر سازنده	استقلال شغلی
خیانت زناشویی	تجمع تعارضات ناسالم
پذیرش طلاق	تجمع تعاملات ناسالم
	خیانت زناشویی
	پذیرش شخصی طلاق خاکستری
	پذیرش خانوادگی طلاق خاکستری
	پذیرش اجتماعی طلاق خاکستری
مشکلات و علل جنسی طلاق	تغییرات جنسی مرتبط با سن
	وجود احساسات منفی در طول رابطه جنسی
	نارضایتی از کمیت رابطه جنسی
	نارضایتی از کیفیت رابطه جنسی
علل اقتصادی و مالی طلاق	مشکلات اقتصادی طلاق
	ثبات و تعادل اقتصادی
دخالت و بی توجهی به مرزهای زندگی زناشویی	دخالت اطرافیان
دگرگونی در ارزش‌ها و باورهای زندگی زناشویی	نادیده گرفتن مرزهای زندگی زناشویی
	تغییر ارزش‌های زندگی زناشویی
	تغییر باورهای و نگرش زندگی زناشویی
حرکت به سمت فردگرایی	حرکت به سمت فردگرایی
وجود فضای مجازی و ناکارآمدی در استفاده از آن	وجود فضای مجازی و رسانه‌های جمعی
	استفاده نامناسب از فضای مجازی
	تاثیرپذیری ناسازگار از فضای مجازی

همان‌طور که از جدول فوق مشاهده می‌شود 38 مقوله از مصاحبه با خبرگان و زوجین دارای تجربه طلاق خاکستری استخراج شد، این 38 مقوله با توجه به ارتباط محتوایی بین برخی مقولات 15 کد محوری را تشکیل می‌داد که این 15 کد محوری در فرایند کدگذاری انتخابی زیر مجموعه یک کد با درجه انتزاع بسیار بالا به نام عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری قرار گرفتند.



شکل 1. نمودار ابرکلمه برای نمایش گرافیکی کدها بر اساس فراوانی

در این نمودار کدهایی که فراوانی بیشتری دارند بزرگتر هستند و کدهایی با فراوانی کمتر کوچکتر هستند، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به کدهای ناکارآمدی و فقدان مهارت‌های زندگی زناشویی، تغییر در باورها و ارزش‌های زندگی زناشویی و مشکلات و علل جنسی می‌باشد و این فراوانی‌ها از درون مصاحبه با افراد شرکت کننده در پژوهش استخراج شده است و این 3 کد به تعداد بیشتری توسط مصاحبه شونده‌گان بیان یا تکرار گردیده است.



شکل 2. مدل نهایی عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در قالب یک مطالعه کیفی به شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری در زوجین بالای 50 سال پرداخته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که پس از مصاحبه با خبرگان و زوجین دارای تجربه طلاق خاکستری 38 مقوله استخراج شد و این مقولات در 15 کد محوری تشکیل دادند و این کدهای محوری در قالب کدگذاری انتخابی زیر مجموعه کد عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری قرار گرفتند.

خشونت جسمانی و کلامی در خانواده یکی از عوامل علی مؤثر در گرایش زوجین به طلاق خاکستری است، در این راستا اسکافی، گورگیج و حجتی (2021) در پژوهش خود نشان دادند که وجود انواع مختلف خشونت در زندگی زناشویی یکی از انگیزه‌های اصلی و مهم زوجین برای جدایی از شریک زندگی آنهاست. خجسته مهر، بهمنی، سودانی و عباس پور¹ (1399) خشونت را به عنوان مولفه اصلی در فرایند طلاق مطرح کرده اند. دامایانتی و هانیاه² (2020) باور دارند که خشونت خانگی که به دنبال دعوا و کشمکش بین زوجین ایجاد می‌شود، باعث شکل‌گیری حالتی از ناامیدی و درماندگی در زندگی زوجین می‌شود و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد و در نهایت بستر و زمینه‌ای را برای زوجین فراهم می‌کند تا از طریق اقدامات قانونی به زندگی زناشویی خشونت بار خود پایان دهند. از سویی دیگر اعتیاد و تغییر گرایش به مواد مخدر در همسر و فرزندان نیز زمینه

1. Eskafi Noghani, Gorgidge, Hojjati Shargh

2. Damayanti, Haniyah

ساز طلاق خاکستری است. فانتشو، سابا و دلکر¹ (2022) در پژوهش خود نشان داد که اعتیاد به مواد مخدر یکی از دلایل عمده گرایش زوجین به سمت جدایی و طلاق از همسر است. اعتیاد طولانی مدت می‌تواند باعث بروز مشکلات مختلفی برای زوجین شود یکی از پیامدهای اعتیاد طولانی مدت در زندگی زوجینی که وارد نیمه دوم زندگی خود شده است تاثیر بر عملکرد جنسی است اعتیاد طولانی مدت نه تنها می‌تواند باعث اختلال در عملکرد جنسی شود بلکه می‌تواند زمینه ساز کاهش رضایت جنسی در زوجین شود، از طرف دیگر اعتیاد طولانی مدت با رفتارهای ناسازگار در زندگی زناشویی مانند دزدی دروغگویی، خشونت، انزوا و سردی در روابط همراه است که می‌تواند باعث رعایت نشدن ارزش‌های اخلاقی، مادی و معنوی زندگی زناشویی شود به همین دلیل اعتیاد می‌تواند زوجین را به سمت جدایی و طلاق از همسر خود سوق دهد (رامیرز، مهدوی، عبدو، عزیز² و همکاران، 2023). یکی دیگر از عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری ناکارآمدی و فقدان مهارت زناشویی در زوجین بالای 50 سال است، در این زمینه منوچهر آبادی، دادگران و دلاور (1401) بیان کردند که زوجینی که از الگوی ارتباطی ناکارآمد از جمله الگوهای ارتباطی کناره‌گیر پرتوقع و الگوی ارتباطی اجتنابی در روابط زناشویی خود استفاده می‌کنند بیشتر امکان دارد که درگیر پدیده طلاق باشد چون نمی‌توانند با ایجاد الگوی ارتباطی سازنده بین خود و همسرشان تعارضاتشان را به شکل مطلوب حل و فصل کند به همین دلیل کشمکش و گسست عاطفی بین این افراد بیشتر می‌شود. صفاری نیا و همکاران (1401) نشان دادند که استفاده از سبک‌های تبادل ناکارآمد بین زوجین و مقایسه‌های اجتماعی زوجین با افزایش دلزدگی زناشویی ارتباط دارد، همچنین زارع و اعتمادی (1399) بیان کردند که ضعف در مهارت‌های ارتباطی با افزایش دلزدگی زناشویی مرتبط است که همین امر بستر لازم را برای افزایش طلاق فراهم می‌کند. از سویی دیگر خالقی، کرایبی و شهبازی (1400) وجود تحقیر، توهین و دعوای شدید را عامل طلاق می‌داند. لسماس³ (2018) معتقد است که زمان که در زندگی زناشویی، زوجین توجه کمی به حضور و نیازهای یکدیگر دارند و زمان کافی برای با هم بودن و برآورده کردن انتظارات و خواسته‌های همسر خود را نداشته باشند می‌تواند موجب فاصله گرفتن زوجین از یکدیگر و جدایی شود، همچنین ناتوانی زوجین در مدیریت حل تعارضات زناشویی می‌تواند باعث بی‌ثباتی زندگی زناشویی شود، کیفیت زندگی زناشویی را کاهش می‌دهد و نارضایتی از زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد و همچنین منجر به کاهش روابط شاد، صمیمانه همراه با قدردانی از همسر می‌شود و می‌تواند زمینه ساز طلاق بین زوجین شود (اوبار، ایرری و منچا⁴، 2022). نوری‌پور و همکاران (1394) در پژوهش خود بیان کردند که بین افراد مطلقه و افرادی که به زندگی زناشویی ادامه می‌دهند در باورهای ارتباطی از جمله باور به مخرب بودن مخالفت، باور به عدم تغییر پذیری همسر، کمال‌گرایی جنسی و باور به تفاوت‌های جنسیتی تفاوت معناداری وجود دارد.

فاصله عاطفی و طلاق عاطفی بین زوجین را می‌توان یکی دیگر از عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری دانست. همسو با این یافته‌ها مطالعات نشان می‌دهد طلاق عاطفی، بسته شدن چرخه عاطفی فردی یک زندگی زناشویی، عامل مهمی در روابط خارج از ازدواج و طلاق قانونی است (دامو و سنسی⁵، 2021). طلاق عاطفی موانع روان‌شناختی بین همسران را افزایش می‌دهد، اگر آنها مجبور باشند در چند موقعیت با یکدیگر برخورد کنند، این تعامل نوعی از سردی و جدیت برخوردار است که شبیه برخوردهای رسمی است، نه رفتار دوستانه یا خودجوش که قرار است پیش فرض و اساس رابطه زناشویی باشد، این وضعیت مشکلات جدیدی را به رابطه زناشویی مشکل ساز اضافه می‌کند و هر یک از طرفین در رختخواب خود می‌خواهد که باعث ناتوانی در از هم گسیختگی، نفرت و لجاجت می‌شود و در نهایت باعث سوق زوجین به طلاق و جدایی می‌گردد (جاروان و الفرهت⁶،

1. Phuntsho, Subba, Delkar

2. Ramirez, Mahdavi, Abdu, Aziz

3. Lemesa

4. Obure, Ireri & Menecha

5. Damo, Cenci,

6. Jarwan & Al-frehat

(2020). از دیگر عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری بازسازی زندگی در افراد بالای 50 سال است، زوجینی که در سن بالای 50 سالگی قرار دارند به علت آنکه فرصت را برای زندگی کردن مطابق با میل خود محدود می‌بینند به همین دلیل برای اینکه بتوانند تجارب جدیدی را در سبک زندگی خود و ساختار زندگی خود تجربه کنند اقدام به طلاق و جدایی می‌گیرند. تغییرات اجتماعی به وجود آمده به دلیل مدرن شدن و صنعتی شدن، آموزش بیشتر برای آنها، تغییر در رفتار مصرفی زنان منجر به چالش‌ها و درگیری‌ها و در نتیجه گرایش به طلاق بیشتر در کشورهای صنعتی و پیشرفته می‌شود، همچنین میل به تجربه یک سبک زندگی جدید در واقع می‌تواند یک عامل کمک کننده در طلاق باشد، زیرا می‌تواند منجر به چالش‌ها و درگیری‌ها در خانواده شود و بر سازگاری، احترام متقابل و تحمل تأثیر بگذارد (شیخی، 2020).

خیانت زناشویی را می‌توان جز یکی از مهمترین علل طلاق خاکستری در نظر گرفت. در این راستا شاکری، شعبانی، شهرباف و عقیلی (2019) خاطر نشان کردند که گرایش به سمت خیانت زناشویی و برقراری رابطه فرارزناشویی با افزایش میزان طلاق ارتباط دارد. وجود هر نوع شکلی از خیانت زناشویی در زندگی زوجین عامل بالقوه‌ای برای جدایی و طلاق بین زوجین می‌شود، زیرا خیانت زناشویی تأثیر بسیار مخربی بر روابط بین زوجین می‌گذارد، باعث بروز تنش و مشکلات روان‌شناختی در زوج طرف مقابل می‌شود، دشواری و نقص در تنظیم هیجانات را در زوجین تشدید می‌کند، تمایل زوجین را برای ادامه زندگی از بین می‌برد، به دنبال خیانت زناشویی سطح شادکامی و رضایت از زندگی زناشویی کاهش می‌یابد و از آنجایی که نیازهای زندگی زناشویی و انتظارات زوجین از زندگی زناشویی خود پس از آگاهی از خیانت زناشویی برآورده نمی‌شود به همین دلیل زوجین به سمت جدایی و طلاق کشیده می‌شوند (روکاخ و چان¹، 2023، بوزوان و اشمیتبرگ²، 2022).

یکی دیگر از عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری مشکلات و علل جنسی زوجین است که زمینه ساز بروز طلاق در زوجین بالای 50 سال می‌باشد، سنتینکایا و ادمیر³ (2021) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که وجود مشکلات جنسی در زندگی زناشویی و نارضایتی جنسی زوجین در طول زندگی زناشویی می‌تواند میزان عشق و علاقه زوجین بر یکدیگر را کاهش دهد و فرایند طلاق و جدایی را تسهیل کند. در این راستا دانشور و همکاران (2023) نشان دادند که نارضایتی جنسی می‌تواند بر رضایت زندگی زناشویی زوجین تأثیر منفی بگذارد و باعث بروز مشکلات متعدد برای زوجین می‌شود، بد عمل کردی جنسی در زوجین باعث می‌شود که استرس هیجانی زوجین بالا رود، ارتباط ناسالم و ضعیفی بین زوج شکل گیرد، این زوجین در حل مشکلات خود ناتوان خواهند بود، تعهد زناشویی به دنبال بدعملکردی جنسی زوجین کاهش پیدا می‌کند و زوجین به سمت جدایی و طلاق سوق داده می‌شود. از سویی دیگر علل اقتصادی نیز به عنوان یک عامل اصلی زمینه ساز طلاق شناسایی شده است. در این خصوص الدروتی، تاماسینی و ویگنولی⁴ (2020) معتقدند که با توجه به شرایط اقتصادی همبستگی مثبتی بین استرس مالی و خطر طلاق خاکستری وجود دارد، زیرا افرادی که نمی‌توانند به راحتی مخارج زندگی خود را تأمین کنند، احتمالاً پس از 50 سالگی پیوند زناشویی خود را منحل می‌کنند. از طرفی دیگر فیردوس، شهباز، خان، اسلام⁵ (2023) معتقد است که علل و شرایط اقتصادی از جمله پیش‌بینی ناپذیری مالی همسر، درآمد کم همسران، ناهماهنگی بین وضعیت مالی خانواده و وضعیت مالی خانواده همسر و عدم برقراری تعادل مالی بین هزینه‌های خانواده باعث می‌شود که زوجین اقدام به جدایی و طلاق بگیرد، زیرا انتظارات و توقعات زوجین از زندگی زناشویی خود برآورده نشود، تعارضات و کشمکش‌های زناشویی افزایش می‌یابد، که همین امر می‌تواند که نارضایتی زوجین را از زندگی زناشویی افزایش دهد و در نهایت زوجین را برای گرفتن تصمیم طلاق و جدایی مصمم می‌کند.

1. Rokach, Chan

2. Bozoyan, Schmiedeberg

3. Çetinkaya, Aydemir

4. Alderotti & Tomassini & Vignoli

5. Firdous, Shahbaz, Khan, Islam

حرکت به سمت فرد گرایی را می‌توان از دیگر عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری عنوان کرد. جامعه ایرانی که یک جامعه جمع‌گرا بوده است با گسترش مدرنیته به سمت فرد گرایی سوق داده شده است و در عرصه خانوادگی نیز در ارزش‌های سلسله‌مراتبی خانواده، کنترل خانواده و خویشتن داری به سمت فردگرایی کشیده شده است (بالاخانی و ملکی، 1396). این تغییر در شیوه زندگی می‌تواند زمینه‌ساز بروز چالش و آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناختی شود. در جوامع سنتی که سبک زندگی جمع‌گرایانه وجود داشته است مدرنیته باعث حرکت به سمت سبک زندگی فردگرایانه شده است و هم‌راستا با این تغییر جهت آمارها حکایت از افزایش میزان طلاق داشته‌اند (اوگیهارا¹، 2023). از طرفی دیگر در تایید وجود رابطه بین سبک زندگی و طلاق می‌توان گفت که در جوامع سنتی وجود نگرش و سبک زندگی جمع‌گرایانه می‌تواند با افزایش رضایت از زندگی زناشویی همراه باشد و در این جوامع حرکت به سمت فرد گرایی می‌تواند ساقی سوق زوجین به جدایی و طلاق می‌شود (فاخر²، 2018).

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که پس از مصاحبه با خبرگان و زوجین دارای تجربه طلاق خاکستری 38 مقوله استخراج شد و این مقولات در 15 کد محوری تشکیل دادند و این کدهای محوری در قالب کدگذاری انتخابی زیر مجموعه کد عوامل علی مؤثر بر طلاق خاکستری قرار گرفتند. پژوهش حاضر همانند سایر مطالعات کیفی دارای محدودیت‌هایی است که می‌توان به تعمیم‌پذیری نتایج اشاره کرد، این مطالعه فقط بری افراد ساکن شهر تهران انجام شده بود، در مطالعات آینده با توجه به این شناسایی عوامل طلاق خاکستری در ایران برای نخستین بار اجرا می‌شود لذا پیشنهاد می‌شود که محققین آتی عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری را مورد بررسی قرار دهند، همچنین برای افزایش تعمیم‌پذیری داده‌های پژوهش از مطالعات آمیخته و بخش کمی استفاده نمایند، همچنین داده‌ها را از جوامع و شهرهای دیگر و صاحب‌نظران مختلف و با بافت فرهنگی گوناگون شناسایی و استخراج کنند. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار مشاوران، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، همچنین سازمان‌ها و ادارت ذی‌ربط قرار دهند تا با تدوین برنامه‌های جامعه، انجام اقدامات پیشگیرانه و کنترل عوامل مؤثر بر طلاق خاکستری از این پدیده تا حد امکان در جامعه جلوگیری کنند.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافی در میان نویسندگان وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

این مقاله از پایان نامه دکترای روان‌شناسی استخراج شده است و در پایان از تمام افراد که محققین را در انجام هرچه بهتر پژوهش یاری نمودند کمال تقدیر و تشکر را داریم.

منابع

- اسماعیلی، قاسم، افشانی، علیرضا، فلاح، محمدحسین، وزیری، سعید. (1398). کاوشی کیفی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان. مجله پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، 34، 63-82
- بالاخانی، قادر، ملکی، امیر. (1396). بررسی ظهور فردگرایی در عرصه خانواده مطالعه موردی شهروندان تهران. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، 20 (77)، 1-28

1. Ogihara
2. Fakher

- خالقی، محمد، کرای، امین، شهبازی، مسعود. (1400). شناسایی علل طلاق زنان فاقد فرزند (مرحله ابتدایی چرخه زندگی زناشویی). فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، 12 (46)، 171-188
- خجسته مهر، رضا، بهمنی، ابوطالب، سودانی، منصور، عباس پور، ذبیح الله. (1399). تبیین فرایند شکل گیری طلاق یک مطالعه کیفی. مجله دست آوردهای روان‌شناختی، 27 (1)، 23-46
- زارع باغبیدی، محبوبه، اعتمادی فرد، اعظم. تعیین نقش واسطه‌ای مهارت ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق. مجله پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، 38، 135-150
- صفاری نیا، مجید، ادب دوست، فاطمه، شاهنده، مریم، زارع، حسین. (1401). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس مقایسه اجتماعی و سبک تبادل زوجین. مجله رویش روان‌شناسی، 11 (2)، 85-95
- ملتفت، حسین، شهپری، داوود، محبی، مهیار، هاشمی، فاطمه. (1399). بررسی پویایی طلاق در ایران در دوره 1383 تا 1393. فصلنامه خانواده‌پژوهی، 16 (64)، 547-567
- ملتفت، حسین، مولایی، جابر، حسین‌زاده، علی حسین. (1402). کاوشی در فرآیند افزایش ناپایداری‌ها و طلاق در خانواده. فصلنامه توسعه اجتماعی، 17 (3)، 1-34
- منوچهر آبادی، زهرا، دادگران، محمد، دلاور، علی. (1402). پیش‌بینی طلاق بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه، مهارت ارتباطی و الگوی ارتباطی در زوجین عادی و متقاضی طلاق. مجله علوم روان‌شناختی، 21 (117)، 1761-1777
- نوری پور، رقیه، فتحی آشتیانی، علی، عبدی، محمدرضا، پورپهلوان، جويا، سهیلی زاده، سمیرا. (1394). مقایسه باورهای ارتباطی در مردان متقاضی طلاق با مردان خواهان ادامه زندگی. مجله پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، 18، 113-126
- Alderotti, G., & Tomassini, C., & Vignoli, D. (2020). "Antecedents of 'Grey Divorces' in Europe: The Role of Children and Grandchildren. *Econometrics Working Papers Archive*, 8, 1-27
- Benson, J., Olivia, L., Donehower, A., Sanner, C. (2022). RELIEF, REGRETS, AND REINVENTION: LIFE AFTER GRAY DIVORCE. *Innov Aging*, 20;6 (1):41-45
- Berkowicz, S.S. (2020). Does gray divorce delay retirement? submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy. School of Family Studies and Human Services College of Human Ecology, Kansas university
- Bozoyan, C., Schmiedeberg, C. (2022). What is Infidelity? A Vignette Study on Norms and Attitudes toward Infidelity. *J. Sex Res*, 7, 272-275,
- Brown, S.L., Lin, I.F. (2022). The Graying of Divorce: A Half Century of Change. *J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci*, 77 (9), 1710-1720.
- Brown, S.L., & Wright, M.R. (2016). Older adults' attitudes toward cohabitation: Two decades of change. *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 71, 755-764.
- Brown, S.L., Wright, M.R. (2019). Divorce Attitudes among Older Adults: Two Decades of Change. *J Fam Issues*, 40 (8), 1018-1037.
- Canham, S. L., Mahmood, A., Stott, S., Sixsmith, J., & O'Rourke, N. (2014). Til divorce do us part: Marriage dissolution in later life. *Journal of Divorce and Remarriage*, 55, 591-612.
- Çetinkaya, D. and Aydemir, İ. (2021). The Effect of Sexual Problems In Divorce Process: Cases Of Men (Turkey). *Turkish Journal of Applied Social Work*, 4 (2), 157-168.
- Crowley, J.E. (2019). Once Bitten, Twice Shy? Gender Differences in the Remarriage Decision after a Gray Divorce. *Sociological Inquiry*, 89 (1), 150-176
- Damayanti, M., Haniyah, S. (2020). Legal Study of Family Resilience: Domestic Violence as Cause for Women for Divorce in Purwokerto. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 49, 1-7
- Damo, D.D., Cenci, C.M.B. (2021). Emotional Divorce: Similarities and Differences According to the Position Occupied. *Trends in Psychol.* 29, 505-518
- Daneshfar, F., Keramat, A. (2023). Sexual dysfunction and divorce in Iran: A systematic review. *J Family Med Prim Care*, 12:430-9.
- Eskafi Noghani, M., Gorgidge, F., Hojjati Shargh, A. (2021). A Systematic Review of Quantitative and Qualitative Research on Divorce Factors. *Journal of Research & Health*, 11 (3), 139-146.

- Fakher, Kh. (2018). Cultural Values and Marital Satisfaction: Do Collectivism and Gender Role Orientation Affect Marital Satisfaction among Palestinian Couples? *The International Journal of Indian Psychology*, 6 (2), 1-24
- Firdous, M., Shahbaz, M., Khan, M., Islam, A. (2023), Antecedents and Consequents of Divorce for Career Professional Women in Punjab. *Revista Española de Documentación Científica*, 17 (1), 1-18
- Högnäs, R.S. (2020). Gray Divorce and Social and Emotional Loneliness. In: Mortelmans, D. (eds) *Divorce in Europe*. European Studies of Population, vol 21. Springer, Cham.
- Huang, J., Han, B., Wan, F., Tan, G. (2020). The Influence of Physical and Mental Exercises on the Mental Health of Middle-Aged and Old People: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Research Square*, 9m 1-33
- Jarwan, A. S., & Al-frehat, B. M. (2020). Emotional Divorce and its Relationship with Psychological Hardiness. *International Journal of Education and Practice*, 8 (1), 72–85.
- Kennedy, S., & Ruggles, S. (2014). Breaking up is hard to count: The rise of divorce in the United States. *Demography*, 51, 587–598.
- Kim, U.J. (2021). Panel analysis on the changes in the quality of life of the divorced elderly. *Elementary Education Online*, 20 (3). 1028-1034
- Lemesa, D. (2018). Causes and Consequences of Divorce Among Wolisso Town Community. *Research on Humanities and Social Sciences*, 8 (19), 1-9
- Lin IF, Brown SL, Hammersmith AM. (2017). Marital Biography, Social Security Receipt, and Poverty. *Res Aging*, 39 (1), 86-110.
- Lin, I.F., Brown, S.L., Wright, M.R., Hammersmith, A.M. (2018). Antecedents of Gray Divorce: A Life Course Perspective. *J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci*, 73 (6):1022-1031.
- Obure, S., Ireri, N. W. & Menecha, J. (2021). The Relationship between Prevalence of Marriage Conflicts and Marital Instability among Middle-Aged Couples in Suneka Sub-County, Kisii County, Kenya. *Journal of Psychology*, 3 (3), 15-23.
- Ogiwara Y. (2023). Chinese culture became more individualistic: Evidence from family structure, 1953-2017. *F1000Research*, 12 (10), 1-17
- Petrova, N.N., Khvostikova, D.A. (2021). Prevalence, Structure, and Risk Factors for Mental Disorders in Older People. *Adv Gerontol*, 11 (4), 409–15.
- Phuntsho, T., Subba, S., Delkar, T. (2022). Divorce in Kanglung: A Qualitative Study on Causes and Impact on Women and Children. *Journal of Divorce*, 8, 1-21
- Ramírez-Coronel, A.A., Mahdavi, A., Abdu, W.J., Azis, R., Amir Al-Salami, A.A. & Margiana, R. et al. (2023). Religious beliefs, addiction tendency, sexual dysfunction and intention to divorce among Muslim couples', *HTS Teologiese Studies/Theological Studies*, 79 (1), 1-6
- Rokach, A., Chan, S.H. (2023). Love and Infidelity: Causes and Consequences. *Int J Environ Res Public Health*, 20 (5), 1-19
- Shakeri, S.S., Shabani, J., Aghamohammadian, Sharbaf. H.R., Aghili. S.M. (2019). Mediating Role of Attitude towards Betrayal and Marital Conflict in Relation between Using Virtual Social Networks and Emotional Divorce. *J Community Health Research*, 8 (4): 220-227.
- Sheykhi, M.T. (2020). Worldwide Increasing Divorce Rates: A Sociological Analysis. *Journal Culture, Economy and Social Changes*, 7 (2), 116-123
- Svačinka, S., Ševčíková. A. and Gottfried. J. (2023). Exploring challenges in later-life relationships: a qualitative study of the queries posted on counselling websites. *Front. Psychol.* 14, 1-11
- Zueras, P., Rutigliano, R., Trias-Llimós, S. (2020). Marital status, living arrangements, and mortality in middle and older age in Europe. *Int J Public Health*, 65 (5), 627-636.